

نگاهی به

مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن

محمدحسین فهیم‌نیا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹

روجا مهاجر

و... گرچه به اخلاق نزدیکند، هیچ‌کدام از آن‌ها اخلاق نیستند. برای مثال هیچ‌گاه قانون مجلس یا کتاب‌های حقوقی، اخلاق به شمار نمی‌روند؛ هرچند مجلس شورا می‌تواند یک مسأله اخلاقی را به عنوان قانون مطرح کرده به آن جنبه قانونی بدهد. در عین حال می‌توان معلمان اخلاق را به نوعی از جمله قانون‌گذاران مردم به‌شمار آورد.

خلق، کار خداست و به خلقت ظاهری انسان اطلاق می‌شود؛ اما چگونگی خلق به اراده انسان بستگی دارد. انسان می‌تواند ملکات و صفات خود را بسازد و بر اساس آن رفتارهایش را به ظهور برساند. علامه فیض کاشانی در معنای اخلاق می‌نویسد: «خلق که

از آن در زبان پارسی «خوی» تعبیر می‌کنند، عبارت از هیئت خاصی است که در ما ظهور و رسوخ می‌نماید و به کمک آن، افعال را به آسانی انجام می‌دهیم و نیازمند اندیشه و فکر نمی‌شویم و هرگاه هیئت مزبور به‌طوری ظهور پیدا کند که افعال پسندیده از آن ناشی شود چنان‌که مورد رضایت عقل و شرع باشد- آن را «خوی نیک» نامند و اگر برخلاف انتظار از آن کارهای نکوهیده سر بزنند آن را «خوی زشت» می‌گویند».



این اثر، با رویکردی قرآنی از برخی مفاهیم اخلاقی بحث و مبانی عقلی و قرآنی آن‌ها را بیان کرده است.

اخلاق واژه‌ای عربی و جمع «خلق» است و خلق به معنای روش، طبع و سنجیه است. یحیی‌بن عدی در تعریف اخلاق می‌گوید: «همانا خلق، حالتی نفسانی است که انسان به سبب آن، کارهایش را بدون فکر کردن و بدون اختیار انجام می‌دهد.» مقصود از کلمه «بلا اختیار» بدون فکر و بدون نیاز به تامل است. «ابن‌اثیر» اخلاق را تصویر باطن انسان و اوصاف حسن یا قبیح آن می‌داند.

آتکینسون (نویسنده انگلیسی) در تعریف اخلاق می‌نویسد: «اخلاق دستگاهی از عقاید جاری در جامعه درباره منش و رفتار آن است، درباره این که افراد جامعه چه رفتار و منشی باید داشته باشند».

با وجود تشبث آن در تعریف اخلاق، لازم است اخلاق را طوری تعریف کنیم که از سایر علوم متمایز شود. قانون (حقوق)، فقه و به خصوص مستحبات آن، سیاست، آداب و رسوم اجتماعی، سیر و سلوک، عرفان عملی، پند و موعظه



بنابراین، با یک مرتبه بخشش، خوی و ملکه سخاوت ایجاد نمی‌شود، بلکه باید به صورت یک ملکه درآید که از عادت بالاتر است تا «خلق» بر آن صدق کند. به عبارت دیگر، باید بر اساس آن صفت یا اوصاف صورت باطنی انسان شکل بگیرد و مردم در دست‌یابی به این توفیق متفاوتند؛ همان‌طور که ظاهر انسان‌ها از نظر زشتی و زیبایی متفاوت هستند، باطن آنان نیز از نظر زیبایی و زشتی فرق می‌کند و خود می‌تواند در آن دخالت داشته باشند.

رسول خدا(ص) فرمود: «انک امریء قد احسن الله خلقک فاحسن خلقک؛ همانا تو شخصی هستی که خداوند خلقت ظاهری‌ات را نیکو گردانیده است، پس نیکو گردان اوصاف و صورت درونی‌ات را». بنابراین، دو فرق اساسی بین صورت ظاهر و باطن است: نخست این که صورت ظاهر را با چشم سر می‌توان دید، بر خلاف صورت باطن که با چشم بصیرت شناخته می‌شود. دوم این که در صورت ظاهر و بیرون تغییر چندانی نمی‌توان داد؛ ولی صورت باطن که همانا صفات نفسانی است، می‌تواند تحت تأثیر معرفت و عمل فرد قرار گیرد.

اخلاق، راهبر و هادی انسان در آراسته شدن به صفات نیک و فضایل اخلاقی و دور شدن از زشتی‌ها و ردایل اخلاق است. در واقع، اخلاق چارچوب تفکر و رفتار انسان را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، هدف اخلاق توسعه نفس است. انسان شجاع، سخاوت‌مند، متواضع و با گذشت روح خیلی بزرگ‌تری در مقایسه با فرد ترسو، بخیل، متکبر و کسی دارد که اهل عفو نیست.

ملا احمد نراقی در صفحه ۹ کتاب معراج السعاده می‌نویسد: «فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس است از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات زیبا که از آن به «تهذیب اخلاق» تعبیر می‌شود و ثمره اخلاق، رسیدن به خیر و سعادت همیشگی است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی‌شود، مگر به این که صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق مذموم پاک و به همه اوصاف نیک زینت داده شود و اصلاح بعضی از صفات یا در بعضی اوقات اگرچه خالی از فایده نیست، ولی باعث سعادت همیشگی نمی‌شود».

با نگاهی کلی به اهداف و تأثیرهای اخلاق، می‌توان آن‌ها را به صورت زیر برشمرد:

۱. اخلاق تعدیل‌کننده خواسته انسان است؛ ۲. اخلاق تقویت‌کننده و پرورش‌دهنده بعد معنوی انسان است؛ ۳. اخلاق ضامن اجرای قوانین و مقررات است؛ ۴. اخلاق حافظ

ایمان است؛ ۵. اخلاق افراد بشر را از هرگونه عیب و نقص منزه و میرا ساخته و آنان را به اوج مکارم اخلاق می‌رساند؛ ۶. علم اخلاق نیروهای سرکش نفس را مهار و رام کرده و آن‌ها را در مسیر حکمت، عدالت و عفت تقویت می‌کند تا به پایه مکارم اخلاق برسند. علم اخلاق برای آن است که ما قادر شویم اعمال نیک را به سهولت و آسانی انجام دهیم».

براساس مطالب کتاب، انسان سه بعد وجودی اندیشه، صفات نفسانی و رفتاری دارد. اندیشه برای تشخیص واقعیات از غیر واقعیات است. صفات نفسانی در وجود ما قوه محرکه‌ای است به سوی کارهایی که انجام می‌دهیم و رفتارهای ما تنها بعدی است که بروز بیرونی و خارجی دارد. از آن جا که اسلام مکتبی کامل و جامع است، در درون خود به هر سه جنبه انسان پرداخته است. آیات شریفه قرآن نیز بر همین اساس تنظیم شده و از این سه دسته خارج نیست.

علاوه بر این که مباحث اخلاقی دین در سازندگی روحی انسان مؤثر است، مطالب اعتقادی و ایمانی نیز در تقویت بنیه اخلاقی اثری شگرف دارد. رعایت احکام دینی نیز زمینه‌ساز تحولات تهذیب، پاکی روح و رسیدن به خصایص خوب اخلاقی است.

این کتاب در عین دسته‌بندی کردن مطالب اخلاقی، به آن وجهه قرآنی داده است. البته غالب مباحث این نوشتار به سبک معمول کتاب‌های اخلاقی دیروزی و امروزی نیست. کتاب حاضر شامل سه بخش است. بخش نخست شامل دو فصل است که در فصل نخست به مفاهیم و کلیات اخلاق و در فصل دوم به اخلاق فضیلت‌مدار ارسطو و اخلاق اسلامی می‌پردازد.

در بخش دوم، به مبانی قرآنی اخلاقی اشاره شده است. اخلاق قرآنی بر پایه‌هایی مانند تصحیح اعتقادات یا مباحث سازنده و مؤثر معاد استوار است، یا مبتنی بر پذیرش چند اصل قرآنی دیگر مانند اختیار انسان، اصالت روح، تجرد روح و حسن و قبح عقلی... خواهد بود.

در بخش سوم کتاب، روابط انسان با خدا، مردم، خویشان و طبیعت بررسی شده است. در نتیجه، هر یک از این ارتباطات یا مثبت هستند یا منفی. اکثر مفاهیم و واژه‌های شناخته‌شده اخلاقی بر اساس همین دسته‌بندی و با تکیه بر آیات قرآن ارزیابی و بررسی شده‌اند.

در انتهای این اثر، علاوه بر کتاب‌نامه، نمایه‌ای از آیات و روایات نیز درج شده است.

